

از بازی فوتبال تا قتل عمد

25 فروردین 1401

گفت‌وگو با مادر زندانی که در 17 سالگی متهم به قتل شد.

«ندارم. به پیغمبر قسم ندارم. به امام حسین هیچی ندارم.» این سه جمله غم‌انگیزترین بخش این گزارش است.

«اهواز، سال ۱۳۹۵؛ متهم به **قتل** پس از دستگیری در بازپرسی توسط ماموران آگاهی اظهار کرده بود: «ساعت ۷ بعدازظهر در پارک در حال بازی فوتبال بودیم که مقتول با لباس ساده وارد پارک شد و شروع به فحاشی کرد و گفت بازی فوتبال را جمع کنید والا شمارو می‌زنم. من هم به او فحاشی و فرار کردم. مقتول به دنبال آمد یک سیلی به صورتم زد و برایم چاقو کشید و به طرفم چاقو پرت کرد من جاخالی دادم و چاقویی که در جیبم بود را به او زدم.»

پزشکی قانونی پس از معاینه جسد علت فوت را آسیب به قلب ناشی از بریدن بطن چپ و عوارض ناشی از آن اعلام کرد.

۱۷ سالش بود که برای بازی در فوتبال با دوستانش راهی پارک شد. ساعتی از رفتن او نگذشته بود که آن اتفاق دهشتناک افتاد.

نزاع میان نوجوان‌های پارک باعث شد حد فاصل یک صبح تا شب او متهم به قتل شود، آن‌هم ناخواسته. با هیجان برای بازی فوتبال با دوستانش رفت و با دستانی آغشته به خون به خانه برگشت. برگشت و فریاد زد: «یکی کشته شد...»

او پس از دستگیری یک سال در کانون اصلاح و تربیت به‌سر برد و حالا نزدیک ۴ سال است که در زندان سپیدار اهواز به‌سر می‌برد. خانواده مقتول به شرط پرداخت دیه به مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان راضی به رضایت می‌شوند که این مبلغ برای متهم به قتل قابل پرداخت نیست. تا جایی که «ساسان.م» متهم به قتل؛ از خانواده مقتول درخواست کرده اعدامش کنند.

«لیلاخ» مادر ساسان برای «اعتماد» ماجرا را به زبان خودش روایت می‌کند.

وضع مالی خوبی نداریم

مادر متهم می‌گوید: «خودم نزدیک ۵۶ سال دارم. پدر ساسان ۱۹ سال پیش فوت کرد. نه بیمه بازنشستگی هیچی به ما تعلق نگرفت. شوهرم یک کارگر ساده بود. بعد از فوتش نیز خودم یکه و تنها این دوتا پسر را بزرگ کردم. ساسان پسر کوچک من بود. خانه‌های مردم کار کردم تا این دوتا از آب و گل دربیايند. پسر بزرگم جوشکار است، اما مگه ما چقدر درآمد داریم که پول دیه را جمع کنیم؟! بیايد تحقیقات کنید. ما در یک اتاق کوچک زندگی می‌کنیم. وضع مالی خوبی نداریم.»

او به روز حادثه برمی‌گردد و ادامه می‌دهد: «همه‌چیز از آن روز کذایی شروع شد. ساسان برای بازی فوتبال به پارک نزدیک خانه رفته بود. داخل پارک بین چند نفر درگیری و «امین.ع» کشته می‌شود. حالا دیگر من نمی‌دانم چه کسی چاقو را زده؟»

سوال می‌کنم؛ با توجه به اظهارات ساسان، او به زدن یک ضربه با چاقو به مقتول اعتراف کرده پس چرا می‌گویید نمی‌دانم چه کسی چاقو را زده، توضیح می‌دهد: «پسرم از **پزشکی قانونی** نامه دارد. در پرونده

پزشكي قانوني ساسان، اختلال در شخصيت تشخيص داده شده است. دعوا و درگيري شده حالا انداختن گردن پسر من. ساسان به دنيا كه آمد رشد عقلي كاملي نداشت. ديروز پسر من زنگ زد و به من گفت كه رفته پيش مسوول اجراي احكام و گفته ما پول ديه را نداريم خانواده مقتول چرا من را زودتر **قصاص** نمي كنند؟»

ليلا ادامه مي دهد: «از طرف دادگاه هم آمدند براي اينكه وضع خانه و زندگي مان را ببينند خودشانديدند كه ما وضع مالي خوبي نداريم. در يك خانه خرابه زندگي مي كنيم. ندارم. به پيغمبر قسم ندارم. به امام حسين هيچي ندارم. من خودم واتس آپ ندارم وگرنه براي تان از خانه زندگي مان عكس ارسال مي كردم. خواهرم شايد بتواند براي تان عكس از خانه مان ارسال كند.»

هيچ خيريه اي نيست كه بتواند به ما كمك كند!

مادر متهم به قتل در خصوص جزييات روز حادثه مي گويد: «خانواده مقتول گفتند رضاييت مي دهند فقط به شرط ديه. اين پسر من تا پاي چوبه دار خدا را شكر نرفته است اما چند روزي است كه برگه اجراي حكم قصاصش آمده. مي دانيد روز حادثه ماجرا چه بود؟ وقتي پسر من متوجه مي شود براي كمك به آن شخص مي رود كه درگيري بين شان صورت مي گيرد. چه كسي چاقو زده ما درست نمي دانيم. من هم آن روز داخل خانه بودم و سر كار نرفته بودم. ديدم پسر من با صدايي بلند و دوان دوان به سمت خانه مي دود و مي گويد يكي كشته شد.»

او در جواب سوالم در خصوص اينكه شما مي دانستيد پسر تان مشكل روحي و رواني دارد، مي گويد: «نه. نه. من نمي دانستم. پزشكي قانوني در معاينه روانپزشكي كه از ساسان انجام داد مشخص شد او **اختلال شخصيت** دارد. تمام اين حرف هايم با سند و مدرك است كه براي تان از طريق گوشي خواهرم ارسال مي كنم. فقط مي خواهم بدانم پسر من تا چه زماني بايد زندان بماند. وضع روحي اش در زندان هر روز بدتر مي شود. بهتان كه گفتم خودش رفته گفته مرا اعدام كنيد. يعني هيچ خيريه اي نيست كه بتواند به ما كمك كند!»